

پدیدارشناسی معماری ایرانی - اسلامی در مسجد جامع نایین از منظر فلسفه

اسلامی

چکیده

در شناخت معماری اسلامی از منظر پدیدارشناسی می‌توان به سطوح عمیق‌تر و مفاهیم محوری و بنیادین در آثار هنری که ماهیتش فراتر از اقلیم، محیط و زمان خاص است، دست یافت؛ عناصری که نسبت میان دین و هنر معماری را در فلسفه اسلامی بیان می‌دارد. در این پژوهش نیز هدف جست‌وجوی رگه‌هایی از تفاوت در رویکرد فلسفی شیخ شهاب‌الدین سهروردی در برخورد‌های پدیدارشناسانه به معماری مکان‌های مقدس می‌باشد. این مطالعه در رسیدن به این پرسش‌هاست که نقش فلسفه اسلامی بر معماری ایرانی - اسلامی چیست؟ و نقش رویکرد فلسفه اسلامی در معماری مسجد جامع نایین چیست؟ لذا این پژوهش با بهره‌گیری از روش پدیدارشناختی به شرح ارتباط پدیدارشناسی و معماری مکان‌های مقدس از منظر فلسفه اسلامی پرداخته است. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که رویکرد پدیدارشناسانه به معماری مکان‌های مقدس از منظر فلسفه اسلامی برگرفته از مهم‌ترین جنبه‌های حس مکان در مسجد جامع نایین؛ سیر از ظاهر به باطن و بالعکس به صورت اتحاد مثلی عناصر کالبدی، فعالیت‌ها و معانی به هم مرتبط و دارای روابط دیالکتیک بوده و تشکیل یک ساختار را می‌دهند که موجب شکل‌گیری ارتباط عمیق درونی و دیالکتیکی بین مسجد جامع نایین و ناظر و شاهد آن در بالاترین سطح حس مکان می‌گردد.

اهداف پژوهش:

۱. پدیدارشناسی معماری ایرانی-اسلامی در مسجد جامع نایین از منظر اسلامی.
۲. بررسی حس مکان در مسجد جامع نایین.

سؤالات پژوهش:

۱. فلسفه اسلامی چه نقشی در هویت معماری ایرانی- اسلامی در مسجد جامع نایین دارد؟
 ۲. چه عواملی در ایجاد حس مکان در مسجد جامع نایین مؤثر است؟
- کلیدواژه‌ها:** مسجد جامع نایین، پدیدارشناسی، معماری ایرانی-اسلامی، عرفان اسلامی.

مقدمه

موضوع فلسفه و تجلی آن در معماری اسلامی، مسئله‌ای که امروزه کم‌تر در مجامع علمی مورد توجه قرار گرفته است. علی‌رغم اینکه نگرش فلسفی در نخستین گام از فرآیند طراحی آغاز می‌شود، قبل از ورود به چنین فضایی لازم است تا روح و جان معمار با مفاهیم حکمی و معنوی عجین شود. مکان‌های مقدس و در راستای آن مساجد از مهم‌ترین فضاهای تأثیرگذار بر احساس تعلق و هویت و آرامش‌بخش بر ذهن مخاطبان‌شان می‌باشد. بهره‌گیری از قابلیت‌های معنایی در معماری، انتقال مفهوم و بیان را به‌دنبال دارد و شناخت عناصر سازنده در معماری مسجد موجب شده تا انتقال پیام معمار و نیز زمینه‌ساز گسترش اندیشه دینی در قالب صورت باطنی هنر شکل گیرد. ابزارهای پیام‌رسان در معماری مساجد، نقش تبلیغی فلسفه اسلامی را پررنگ‌تر ساخته و جایگاه محتوا و معنایی آثار معماری ایرانی را در تبیین ایدئولوژی هنر و فرهنگ اسلامی چه در جزء و یا کل آن تعیین کرده است. در شناخت فلسفه اسلامی از منظر پدیدارشناسی آثار معماری می‌توان به سطوح عمیق‌تر و مفاهیم محوری و بنیادین در آثار هنری که ماهیتش فراتر از اقلیم، محیط و زمان خاص است، دست یافت؛ عناصری که نسبت میان دین و هنر را در فلسفه اسلامی بیان می‌دارد. شاید مهم‌ترین عامل در اختلاف نظر درباره هنر معماری ایرانی - اسلامی، مبتنی بر همین عنصر روش‌شناسی یا به بیان دیگر، کاربرد روش‌های متفاوت باشد. از این رو بازسازی روش‌شناسی شناخت هنر معماری ایرانی - اسلامی و نقد و بررسی هر یک از آن‌ها و میزان اهمیت و ارزششان در معماری ایرانی - اسلامی، بسیار با اهمیت است.

با روش پدیدارشناسی، پژوهشگر آثار هنر اسلامی می‌کوشد با همدلی بررسی کند که آیا هنر اسلامی، بازنمایانه و طبیعت‌گرایانه بوده یا هنری انتزاعی، تغییر شکل یافته، معنادار و نمادین است که برگرفته از فلسفه اسلامی است. در شیوه پدیدارشناسی روش‌شناختی، نقطه آغازین بررسی و تحلیل اثر هنری، فراتاریخی و بدون توجه به مقوله زمان است و پدیدارهای هنری، مجرد از بستر فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، توصیف و بررسی می‌شود و تفاوت در هنر تمدن‌ها را باید در هسته درونی آن‌ها جست؛ عواملی که به‌صورت شبکه‌ای و یکپارچه وجود دارد و پدیدارشناس به فهم درونی آن‌ها دست می‌یابد.

بنابر نتایج برآمده از کاربرد رویکرد و روش پدیدارشناسی در هنر معماری ایرانی - اسلامی می‌توان گفت، بسیاری از فرم‌ها و اسلوب‌های هنری در فرهنگ اسلامی، متحول شده و به شکل دیگری بروز یافته است و همان‌گونه که در فرهنگ ایرانی - اسلامی به عرفان، فلسفه، تاریخ، آداب و سنت، روابط و مناسبات خاص اجتماعی و انسانی باور داریم، هنر معماری نیز چنین است و تعامل و الگوبرداری هنر معماری یک سرزمین از هنر معماری دیگر تمدن‌ها، بدین معنا نیست که نتوان هنر معماری را به فلسفه مردمان آن سرزمین نیز منتسب کرد (نیک‌نهاد، ۱۳۹۲). لذا این پژوهش به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش‌هاست: فلسفه اسلامی در معماری ایرانی - اسلامی چه نقش دارد؟ سلطانی محمدی و آزاد (۱۳۹۷) در تحقیقی تحت عنوان «تحلیل مقایسه‌ای یک فرم خاص در معماری دست‌کند مذهبی (منطقه مرکزی ایران (شهرستان نایین) و سه اثر در شمال غرب)» موضوعی که پرداخته شده، وجه افتراق این آثار در شکل داخلی آن‌هاست که سه اثر منطقه شمال غرب دارای پلانی مدور و فضای گنبدی‌شکل با خطوط

منحنی هستند؛ در حالی که در آثار منطقه مرکزی، پلانی مستطیل شکل با فرم و فضای مسطح و راست گوشه استفاده شده است. مبینی و میثمی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی کتیبه های مسجد جامع نایین» موضوعی که پرداخته شده، یافته های تحقیق نشان می دهد، ساختار کلی طراحی کتیبه های مسجد جامع نایین بر دو شکل می باشد: یکی از آن ها گچ بری است و دومی با رنگ روی گچ ترسیم شده است. مسعودی فر (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «ویژگی های بصری خطوط و نقوش به کار رفته در مسجد جامع نایین» موضوعی که پرداخته شده، مهم ترین نتایج حاکی از آنست که در میان بخش های گوناگون مسجد، محراب زیباترین و خیره کننده ترین قسمت است، که در زمره مهم ترین ساختارهای هنر اسلامی قرار دارد.

یوسفوند و میری (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «مطالعه تطبیقی نقوش گچبری های مکشوفه از شهر تاریخی دره شهر با نمونه های مسجد جامع نایین» موضوعی که پرداخته شده، نشان می دهد اشتراکات زیادی بین گچبری های این دو در زمینه نقوش گیاهی و هندسی، ترکیب بندی نقوش و انواع گره ها وجود دارد. دهقانی و سامانیان (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی تطبیقی طرح و نقش منبر مسجد جامع نایین و منبر مسجد جامع سوریان» موضوعی که پرداخته شده، ساختار کلی طراحی و کتیبه دو منبر از الگویی واحد پیروی می کنند و از نظر طرح و نقش اسلیمی، ختایی و هندسی دارای یک قالب مشترک هستند، اما به لحاظ ظرافت طراحی، همسان نیستند که، تفاوت های موجود را باید در شیوه و سبک هنرمندان دانست. خوانساری و نقی زاده (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی آرایه ها در مساجد جامع ورامین و نایین» پرداخته، پس از تحلیل و جمع بندی، به نتیجه گیری در مورد چگونگی تغییرات در شیوه اجرا (گچ بری به آجر و کاشی کاری رنگی)، محتوای شکلی معنایی (نقوش طبیعی گیاهی به اشکال هندسی پیچیده و اسلیمی)، مضمون کتیبه ها (از آیات قرآن به اسامی مقدس امامان و احادیث و ادعیه) و محل کاربرد آرایه ها (گسترش از فضای داخلی مجاور محراب به فضاهای بیرونی) اقدام کرده است.

دهقانی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی نقوش منبر مساجد جامع نایین و سوریان و مقایسه آن با نقوش محراب های گچبری قرن هشتم» پرداخته، مطالعات حاکی از آن است که نقوش و تزئینات منبرهای مسجد جامع نایین و مسجد جامع سوریان رابطه نزدیکی با نقوش و تزئینات موجود در محراب های گچبری متعلق به قرن هشتم هجری وجود دارد. نیک نهاد (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «مسجد جامع نایین بازاندیشی سیر تحول» موضوعی که پرداخته شده، این پژوهش با روش تفسیری- تاریخی و با در نظر گرفتن همه منابع موجود انجام شده و نتیجه ارزیابی منابع و دلالت آن ها بر تاریخ مسجد، گاهی پاسخی نو، گاهی معلوم کردن میزان اعتبار اقوال موجود، گاهی پرسش هایی نو و پیش نهادن طرز ادامه تحقیق است. عناقه و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «تجلی عرفان در معماری مسجد» پرداخته، در این پژوهش سعی شده به روش اسنادی و مشاهده مستقیم اهمیت هنر معنوی و تجلی عرفان در معماری مساجد ایران مورد بررسی قرار گیرد و زیبایی های فراموش شده، یادآوری گردد. محمدی (۱۳۷۳) در تحقیقی با عنوان «روند شکل گیری مساجد در ایران (از آغاز تا پایان قرن چهارم هجری) پرداخته، دستاوردهای این پژوهش، راهکارهای علمی برای مرمت گران و معماران به منظور طراحی سازه های نگهبان در مرمت بناهای تاریخی ارائه می دهد. اس فلاری (۱۹۳۰) در تحقیقی تحت عنوان «مسجد نایین» پرداخته،

تزیینات مسجد را با تزیینات چند بنای دوره عباسیان مقایسه کرده و وجود این تزیینات را نشان‌دهنده یک مرحله پیشرفت در تاریخ هنر اسلامی دانسته است.

در تمامی مطالعات مورد بررسی بر مبنای رویکردی که اتخاذ کرده‌اند به بررسی توصیفی مساجد مورد بررسی پرداخته‌اند، که این نشأت گرفته از ماهیت کمی مطالعات پیشین می‌باشد؛ در حالی که در این روش درک سطحی از پدیده‌ها به دست می‌آید. در این شیوه‌های مطالعه که به رویکرد کمی اختصاص دارد، درک معنای ذهنی کنشگران از قرار گرفتن در مکان قابل شناسایی نمی‌باشد. به عبارت دیگر، عوامل از پیش تعیین شده مسیر انجام پژوهش را مشخص کرده است و خلاء درک تفسیرهای کنشگران از قرار گرفتن در مکان به چشم می‌خورد. این در حالی است که مسئله‌ای به مانند مکان مذهبی به شدت تحت تأثیر مفاهیم و معنای ذهنی کنشگران از فرایندهای ذهنی و تفسیری که از کنش و واکنش قرار گرفتن در حس مکان، قرار دارد.

در هر تحقیقی انتخاب روش تحقیق، تابع نوع سؤال پژوهش است، این مطالعه در رسیدن به این پرسش‌هاست: نقش رویکرد فلسفه ایرانی در معماری مسجد جامع نایین می‌باشد؛ برای رسیدن به پاسخ این سئوالات روش تحقیق کیفی با رویکرد پدیدارشناسانه روش مناسبی تشخیص داده شد. یکی از روش‌های مهم تحقیق در رویکرد کیفی، روش پدیدارشناسی است که با توجه به نوع نگاه به پدیده مورد بررسی، این رویکرد خود به دو روش عمده توصیفی و تفسیری تقسیم می‌شود؛ که علی‌رغم شباهت‌های بسیار، این دو روش تفاوت‌هایی هم دارند که شناخت آن‌ها برای انتخاب به جا و مناسب هر یک از دو روش تحقیق پدیدارشناسی در زمینه‌های مختلف کمک‌کننده می‌باشد. بیشتر مطالعاتی که به رابطه انسان و مکان می‌پردازد، ریشه در پدیدارشناسی دارد؛ چراکه این روش دریافت عمیق‌تری از موضوعات پیچیده در اختیار قرار می‌دهد و راه را برای دریافت حقیقت مکان می‌گشاید.

نتیجه‌گیری

سبک معماری ایران دوران اسلامی مبتنی بر فلسفه رایج آن عصر بوده است. با توجه به رویکرد فلاسفه اسلامی، ما را به تجربه ساوشی که ریشه در ادراک تدریجی و جزء به جزء معماری دارد، فرامی‌خواند؛ چراکه همه حواس و کل تن را به مشارکت می‌خواند. این توانایی از دیدگاه سهروردی داشتن «کیان خره» یا «خره کیان» است، قدرتی که به سالک اجازه می‌دهد با استفاده از انوار و معانی عالم بالا، مثل معلقه را منطبق با اراده خود ایجاد کند. امری که سهروردی آن را مقام «کن» می‌نامد و دقیقاً همان حلقه مفقوده‌ای است که مادر تحقیق خود به دنبال آن می‌گردیم. حلقه مفقوده‌ای که رابطه میان اندیشه‌های عرفانی و تجلیات هنری است، تجرد ذاتی نقوش اسلامی در نگارگری، خوشنویسی، معماری و موسیقی را تنها با استناد به عالم صور معلقه می‌توان توضیح داد. لذا در درجه اول مسجد باید فضا و مکانی باشد درخور ایجاد رابطه قلبی میان خالق و مخلوق؛ یعنی جایی که در عین شکوه و جلال و آراستگی و زیبایی صفاتی و افعالی، ذهن انسان را به وحدت وجود رساند. در مرتبه بعدی اهمیت نقش کارکردی مسجد در مقیاس کلان شهر جهت ایجاد حس هویت اسلامی- ایرانی به شهر و شهروند است که متأسفانه امروزه جایگاه بس کم‌رنگی در طراحی مساجد ایران دارد. لذا با شناخت اجزای اصلی مسجد و عوامل وجودی آن‌ها و همچنین با بررسی ریشه‌های فلسفی به وجود آورنده این تمثیل‌ها به صورت نشانه، آرایه و نماد و فرضیات مختلفی

که در این زمینه‌ها مطرح شده، پی به جوهر تمثیل‌وار معماری ایرانی در مسجد جامع نایین می‌بریم. مسجد جامع نایین همچون سایر مساجد جامع حول محور قبله قرینه‌سازی شده است و این تأکیدی بر محوریت قبله در طراحی مساجد است. آنچه ضرورت دارد شبستان‌هایی هستند که به‌صورت عمیق در سه طرف صحن قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شبستان در جبهه قبله واقع شده است. تقریباً در وسط شبستان محراب ساخته شده است. این محراب در امتداد محور تقارن صحن مسجد قرار دارد.

عوامل فیزیکی نقش تعیین‌کننده‌ای در حس کلی بیننده از شبستان و حس معنویت نمازگزار در شبستان دارد. در مسجد جامع نایین، حس معنویت در شبستان با عوامل فیزیکی در شبستان رابطه مستقیم دارد. بدین معنی که هرچه عوامل فیزیکی مطلوب‌تر باشند، حس معنویت در شبستان بیش‌تر است. از این‌رو، عوامل فیزیکی به‌صورت مراتب عرفانی توانایی اثرگذاری، قابل توجهی بر احساس روانی و میزان خوش‌آیندی فرد در فضا داشته است. روشن است حس معنویت در فضای شبستان مسجد جامع نایین بر ذهنیت معنوی نمازگزار تأثیر مثبت و سازنده‌ای دارد و هدف کلی فرد از ورود به فضای مسجد را محقق سازد. در واقع، فلسفه اسلامی و الهی به معمار بینشی داده که قادر شده آن رویکردی را که شیخ اشراق در حکمت اشراق ارائه کرده را در معماری یک مسجد جلوه‌گر کند. بدین گونه که فلسفه اسلامی در معماری، گچ‌بری و خطاطی و لحظه‌لحظه زندگی انسان ایرانی متجلی بود؛ درحالی که در دوران حاضر با گسترش روزمره‌گی از این رویکرد فاصله بسیاری گرفته است. همین جنبه‌هاست که مسجد جامع نایین را به‌منزله فضایی برای حضور و مشاهده، تأمل و تعمق، وحدت و اتحاد. از منظر فلسفه اسلامی برگرفته از مهم‌ترین جنبه‌های حس مکان در مسجد جامع نایین؛ سیر از ظاهر به باطن و بالعکس به‌صورت اتحاد مثلثی عناصر کالبدی، فعالیت‌ها و معانی به هم مرتبط و دارای روابط دیالکتیک بوده و تشکیل یک ساختار را می‌دهند که موجب شکل‌گیری ارتباط عمیق درونی و دیالکتیکی بین مسجد جامع نایین و ناظر و شاهد آن در بالاترین سطح حس مکان می‌گردد. پیش‌تر، همان رویکردی که مکتب اشراق را به‌وجود آورد، معماری و جلوه‌های دیگر فرهنگ را نیز متبلور کرد. امید است در این دوران هم با شناخت زوایای این اندیشه‌ها این گسست هرچه بیشتر کاهش یافته تا دوباره شاهد آن غنا در فرهنگ، هنر و معماری ایرانی باشیم.

منابع و مآخذ:

اعظمی، زهرا؛ شیخ‌الحکمایی، محمدعلی و شیخ‌الحکمایی، طاهر. (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی نقوش گیاهی گچبری‌های کاخ تیسفون با اولین مساجد ایران». نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره ۱۸، شماره ۴، ۲۴-۱۵.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. (۱۳۶۸). *مراه‌البلدان*، تصحیح عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۸). *سرگذشت هنر در تمدن اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۷). *پدیدارشناسی مکان*. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: دبیر خانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.

پاپادوپولو، الکساندر. (۱۳۶۸). معماری اسلامی. ترجمه: دکتر حشمت جزنی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

پرتوی، پروین. (۱۳۸۷). پدیدارشناسی مکان. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

پروین. (۱۳۸۲). «مکان و بی‌مکانی؛ رویکردی پدیدارشناسانه». هنرهای زیبا، ۱۴، ۴۱ - ۴۲. پیرنیا، محمدکریم.

(۱۳۸۹). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.

پوپ، ارتور اپهام. (۱۳۸۲). معماری ایران. ترجمه: غلامحسین صدری افشار، تهران: فرهنگان.

پوپ، آرتور. (۱۳۸۰). شاهکارهای هنر ایران. ترجمه: پرویز ناتل خانلری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. پرتوی،

دهقانی، طیبه و سامانیان، صمد. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی طرح و نقش منبر مسجد جامع نایین و منبر مسجد

جامع سوریان». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۱۹، ۵۰-۲۹.

سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۸۰). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. ج ۱ و ۲ و ۳، مصحح: هنری کربن و سیدحسین

نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۷). حکمه‌الاشراق، ترجمه و شرح: سید جعفر سجادی، تهران: انتشارات دانشگاه

تهران.

شیمیل، آنماری. (۱۳۷۶). تبیین آیات خداوند: نگاهی پدیدارشناسانه به اسلام. ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شوآن، فریتیوف. (۱۳۸۱). گوهر و صدف عرفان اسلامی. ترجمه: مینون حجت، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

شیرازی، محمدرضا. (۱۳۸۹). «پدیدارشناسی در عمل: آموختن از تحلیل پدیدارشناختی پالاسما از ویلامایرآ».

آرمانشهر، شماره ۴، ۱۳۲-۱۲۵.

شهبازی، مجید و ترابی، زهره. (۱۳۹۳). «مقایسه بازتعریف و باز به کارگیری سنت در معماری معاصر ایران اروپا

(مطالعه موردی: برخی آثار لوکوربوزیه و سید هادی میر میران)». هویت شهر، شماره ۱۹، ۱.

طیبسی، محسن و فاضل‌نسب، فهیمه. (۱۳۹۱). «بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در

شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان». نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۳، ۹۰-

۸۱.

طهوری، نیر. (۱۳۹۶). «آموختن از هایدگر: پدیدارشناسی در معماری تأثیر فلسفه هایدگر در نظریه‌پردازی معماری:

هویت مکان در نظریات کریستین نوربرگ شولتز و کریستوفر الکساندر». کیمیای هنر: جلد ۶ شماره ۲۵، ۹۳-

۷۳.

فلاری، اس. (۱۹۳۰). مسجد نائین، ترجمه: کلود کرباسی، مجله Syria.

علی‌نیا، فاطمه و جباریان، فاطمه. (۱۳۹۳). «بررسی حس تعلق به مکان در خیابان چهارباغ اصفهان با رویکرد پدیدارشناسی». ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، مشهد مقدس.

عناقه، عبدالرحیم؛ محمودیان، حمید و صابری‌زاده، رقیه. (۱۳۹۱). «تجلی عرفان در معماری مسجد». عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، دوره ۹، شماره ۳۳، ۱۸۸-۱۵۹.

عمومی، محمد. (۱۳۸۷). معماری الگو نظم، تهران: خاک.

عمید، حسن. (۱۳۹۲). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.

کمالی‌زاده، طاهره. (۱۳۹۲). مبانی حکمی هنر و زیبایی از دیدگاه شیخ شهاب‌الدین سهروردی، تهران: فرهنگستان هنر.

کوه نور، اسفندیار. (۱۳۸۳). جلوه‌های نقوش هندسی در آثار هنرهای سنتی ایران. مشهد: نور حکمت.

کاکوئی، معین و رئیسی، ایمان. (۱۳۹۱). «تحلیل مسجد ولیعصر تهران با رویکرد پدیدارشناسی یوهانی پالاسما». همایش ملی نظریه‌های نوین معماری و شهرسازی.

محقق‌نسب، عنایت‌الله و ناظمی، الهام. (۱۳۹۴). «تأثیر هویت بر منظر شهرهای ایرانی - اسلامی (گذار از سنت به مدرنیته)». دومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.

مسعودی‌فر، فاطمه. (۱۳۹۵). پژوهشی در ویژگی‌های بصری خطوط و نقوش به‌کار رفته در مسجد جامع نایین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد هنر، دانشگاه هنر دانشگاه سمنان.

نیک‌نهاد، مرضیه. (۱۳۹۲). «مسجد جامع نایین (بازاندیشی سیر تحول)». رساله برای دریافت کارشناسی ارشد رشته معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

نعمتی بابایلو، علی و صالحی، اسراء. (۱۳۹۰). «مسجد نه‌گنبد و مسجد جامع نایین از منظر نقش، ترکیب و مفهوم». کتاب ماه هنر، ۱۶۲: ۹۶-۱۰۴.

هدفی، فرزانه و مغانی قهرمانلویی، رامین. (۱۳۹۵). «تبیین مؤلفه‌های معماری حاکم بر بناهای عبادی از منظر حکمی و پدیدارشناسی». مدیریت شهری، شماره ۴۴، صص ۱۵۴-۱۳۹.

یوسف‌وند، یونس، میری، فرشاد. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی نقوش گچبری‌های مکشوفه از شهر تاریخی دره شهر با نمونه‌های مسجد جامع نایین». نگره، شماره ۳۹، ۴۵-۳۵.

Pallasmaa, J. (۲۰۰۵). "Encounter", MacKeith, Rakennustieto Oy.

Pallasmaa, J. (۱۹۹۶). "The Eyes Of The Skin, Architecture and the Senses", London, Academy Editions.

Pallasmaa, J. (1998,a). Image and Meaning. In: Pallasmaa, J., ed. (1998) "Alvar Aalto, Villa Mairea", Helsinki, Alvar Aalto Foundation: 70-120.

Pallasmaa, J. (1998,b). Alvar Aalto: Toward a Synthetic Functionalism. In: Reed, p, Ed. (1998) "Alvar Aalto, Between Humanism and Materialism", New York, The Museum of Modern Art: 70-79.

Pallasmaa, J. (2001,a). "The Architecture of Image, Existential Space in Cinema", Helsinki, Building Information Ltd.